

اعتبارسنجی کتاب اربعین خزاعی نیشابوری

علی تحویلین^۱

احسان الله درویشی^۲

چکیده

کتاب «الاربعین» منسوب به ابوسعید محمد بن احمد بن حسین نیشابوری از عالمان و محدثان بزرگ حوزه حدیثی ری است. وی با نگارش این کتاب، سنت اربعین‌نویسی را در حدیث شیعه رواج داد. محتوای کتاب، شامل چهل حدیث اعتقادی در موضوع فضیلت‌های امیرالمومنین علیه السلام است. این کتاب از دیرباز مورد توجه عالمان حدیث شیعه بوده است. شناخت اعتبار کتاب‌های حدیثی، یکی از عوامل تأثیرگذار در محتوای آن و یاری‌رسان پژوهشگر در چگونگی برخورد وی با حدیث است. مقاله حاضر به بررسی میزان اعتبار کتاب پرداخته است. بررسی شاخصه‌های اعتبارسنجی مانند شخصیت و جایگاه مؤلف، هویت و شهرت کتاب، استواری و هم‌خوانی متن با آموزه‌های حدیثی، کمی آسیب‌های متنی و دیگر شاخصه‌ها بیانگر اعتبار بالای این کتاب است.

واژگان کلیدی

ابوسعید محمد بن احمد نیشابوری، اربعین‌نگاری در شیعه، تلاش‌های حدیثی محدثان خراسان، حوزه حدیثی ری، منابع حدیثی

درآمد

پس از شکل‌گیری و استحکام حوزه حدیثی قم به عنوان اصلی‌ترین پایگاه محدثان شیعه در طی سده‌های سوم و چهارم، با کوشش محدثانی چون محمد بن علی ابن بابویه و جعفر بن احمد قمی (ابن رازی)، دامنه آموزش حدیث‌پژوهان قم به ری نیز گسترش یافت و حوزه حدیثی ری، به عنوان شعبه‌ای از مکتب قم پدیدار گشت.

۱. دانش‌پژوه مؤسسه میراث کتاب و سنت.

۲. مدرس مؤسسه میراث کتاب و سنت.

ری از سده سوم قمری به بعد از شهرهایی بود که در آن زیدیان و امامیان در کنار هم می‌زیستند و با یکدیگر تعاملات فرهنگی و مذهبی و گاه دشمنی‌ها و خصومت‌های دینی، سیاسی و اجتماعی داشتند. این دو مکتب هرچند در ایران و بر پایه حدیث شکل گرفتند، اما در انتقال آثار عراقیان، از مکتب متکلمان و به خصوص شیخ طوسی، بهره گرفتند.^۳

در میان محدثان ری، افراد خاندان خزاعی، مهاجر از نیشابور، به طور ویژه، اهمیت دارند؛ چراکه شماری از رجال نامدار از آنان برخاسته‌اند. یکی از اینان، ابوسعید محمد بن احمد خزاعی است. وی با نوشتن کتاب اربعین، سنت اربعین‌نویسی را در میان محدثان رواج داد، به گونه‌ای که پس از وی کتاب‌های گوناگونی به سبک اربعین نگاشته شد.

با توجه به جایگاه این کتاب در میان محدثان، ضروری می‌نمود که اعتبار آن بر اساس شاخصه‌های اعتبارسنجی بررسی گردد. این مقاله به بررسی اعتبار کتاب اربعین بر پایه شاخصه‌های اعتبارسنجی ارائه شده در پایان‌نامه «ملاک‌های اعتبارسنجی منابع حدیث شیعه»^۴ و به شیوه کتابخانه‌ای نگاشته شده است. مقاله پیش رو ابتدا ویژگی‌های مؤلف کتاب را بازگو می‌نماید؛ سپس ویژگی‌های کتاب را بررسی می‌کند و در ادامه به بررسی ویژگی‌های متنی اثر می‌پردازد. هرچند تاکنون پژوهش‌هایی در زمینه اعتبارسنجی منابع حدیثی سامان یافته‌اند، اما نوشتاری با موضوع اعتبارسنجی کتاب اربعین خزاعی نیشابوری به دست نیامد. از این رو مقاله حاضر برای نخستین بار به صورت متمرکز و روشمند به اعتبارسنجی کتاب اربعین می‌پردازد.

الف) ویژگی‌های مؤلف

شناخت ویژگی‌های مؤلف از معیارهای مهم در اعتبارسنجی کتاب است. بدیهی است هرچه اعتماد به مؤلف یک اثر بیشتر باشد، اطمینان به معتبر بودن نگاشته وی نیز بیشتر می‌شود. ویژگی‌های مؤلف، ابعاد مختلف شخصیت حقیقی و حقوقی او را در بر می‌گیرد.

۳. مکاتب فقه امامی ایران، ص ۱۷۳؛ مقاله ناگفته‌هایی از جامعه ری در سده‌های پنجم و ششم هجری.

۴. محمد مهدی احسانی‌فر.

۱. شخصیت و تبار مؤلف

نام مؤلف، ابوسعید محمد بن احمد بن حسین نیشابوری است.^۵ برخی، تاریخ وفات او را بعد از ۴۷۰ق دانسته‌اند.^۶ برخی دیگر نیز حدود سال‌های ۴۶۰ق تا ۴۸۵ق را برگزیده‌اند.^۷ وی ملقب به شیخ مفید^۸ بود و شیخ منتجب الدین رازی، او را با اوصاف ثقة، عین و حافظ ستوده است.^۹

او از خاندان خزاعی نیشابوری است که دانشمندان متعددی به جهان تشیع و جهان اسلام تقدیم نموده است.^{۱۰} نسب و تبار این خاندان نشان می‌دهد اسلام و تشیع تا چه اندازه در میان آنها ریشه‌دار، عمیق و استوار بوده است. نسب این خاندان به «بُدیل بن ورقاء» صحابی پیامبر می‌رسد.^{۱۱} «نافع بن بدیل» که در اسلام از پدر پیشی گرفته بود، از برترین اصحاب، مورد اعتماد و از سفیران اعزامی پیامبر ﷺ برای دعوت مردم به اسلام است. او به همراه هفتاد نفر برای دعوت اهالی نجد به اسلام، راهی آن دیار شد.^{۱۲} نافع در رخداد بئر معونه به فیض شهادت نائل آمد.^{۱۳} عبدالله، عبدالرحمن و محمد، دیگر فرزندان «بُدیل» در برهه‌ای از سوی پیامبر ﷺ برای نشر معارف دینی به یمن اعزام شدند.^{۱۴} عبدالله و محمد از جمله اصحاب امیرالمؤمنین

۵. مکاتب فقه امامی، ص ۱۷۹.

۶. معجم طبقات المتکلمین، ج ۲، ص ۴۵۷.

۷. مکاتب فقه امامی ایران، ص ۱۷۹.

۸. اگرچه لقب مفید و اشتها به آن، به شیخ مفید محمد بن محمد بن نعمان عکبری انصراف دارد، اما در میان عالمان امامیه چند شخصیت دیگر هم هستند که از آنها در منابع شرح حال نگاری به شیخ مفید یاد شده است؛ به‌ویژه در فهرست منتجب الدین رازی (برای نمونه ن. ک: شماره‌های ۱۰۳ و ۱۶۲ و ۲۲۰ و ۳۶۱). از این رو مرحوم محدث نوری در خاتمه مستدرک بر صاحب روضات طعنه می‌زند که چگونه غفلت کرده و می‌گوید لقب شیخ مفید در تاریخ شیعه بعد از ابن المعلم بر کسی جز بر محمد بن جهیم اسدی حلی ملقب به مفید الدین اطلاق نشده است؛ چرا که لقب مفید بر تعدادی از بزرگان امامیه آن هم پیش از ابن جهیم نیز اطلاق گردیده است. او بعد از ذکر نمونه‌هایی از جمله ابوعلی طوسی که به مفید ثانی ملقب بود و شیخ عبد الجبار رازی، از مفید نیشابوری نام می‌برد. (خاتمة المستدرک ج ۳، ص ۲۲۸). همچنین؛ ن. ک: مفید نیشابوری، الشیخ الحافظ، <https://mtyazdi.kateban.com/post/5218>.

۹. الفهرست، ص ۳۷.

۱۰. افندی از آنان با عنوان سلسله‌ای معروف از علمای امامیه که هر یک تألیفات متعددی داشته‌اند، یاد کرده است. (ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۲، ص ۱۵۸)

۱۱. بدیل به واسطه دعوت و نامه‌نگاری پیامبر ﷺ آیین اسلام را پذیرفت. گزارشات تاریخی حاکی از آن است که بدیل بن ورقاء با وجود آن که پس از فرزند خود نافع به دین اسلام گرویده، به همراه پیامبر ﷺ در فتح مکه و معرکه خنین و تبوک حضور داشته است. وی افتخار همراهی پیامبر در حجة الوداع را نیز داشته و از ایشان نقل روایت نموده است. (ن. ک: نسب معد و الیمن الکبیر، ج ۲، ص ۴۵۳؛ الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۲۲۰)

۱۲. الاصابة فی تمییز الصحابة، ج ۶، ص ۳۱۹.

۱۳. الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۲۲۰.

۱۴. رجال الطوسی، ص ۷۰.

علی علیه السلام بودند و در پیکار صفین شرکت داشتند. عبدالله در صفین به شهادت رسید.^{۱۵} «بُدیل» و فرزندان او از بزرگان و خوبان صحابه^{۱۶} و از جمله افراد سرشناس تبار خزاعه به شمار می‌رفتند. این قوم از دوستان اهل بیت علیهم السلام بوده^{۱۷} و به علم و تقوا آراسته و بدان شهرت داشتند.

پدر ابوسعید، احمد بن حسین بن احمد نیشابوری خزاعی از بزرگان و اعلام دوره خود و ساکن ری بود.^{۱۸} احمد خزاعی با عناوینی چون ثقه، عدل، عین و دین توصیف شده است. بهره‌مندی از حوزه درسی سید مرتضی، سید رضی و شیخ الطائفه ابو جعفر طوسی از امتیازات وی بود.^{۱۹} او کتاب‌های «الامالی فی الاخبار» در چهار جلد، «عیون الاحادیث»، «الروضه فی الفقه» و «المفتاح فی الاصول و المناسک» را به رشته تحریر در آورده است.^{۲۰}

برادر ابوسعید، ابومحمّد عبدالرحمن ابن احمد بن حسین نیشابوری خزاعی ملقب به شیخ مفید ثانی^{۲۱} و مفید نیشابوری از مشاهیر علمای شیعه محسوب می‌شود. شیخ منتجب الدین در معرفی او می‌نویسد:

وی شیخ اصحاب در ری، توانا در حفظ و روایت حدیث، سخنوری توانا و شاگرد بزرگانی همچون سید مرتضی، سید رضی، شیخ طوسی، سلار، ابن براج و کراچکی بود. عبدالرحمن به نقاط مختلفی سفر نمود و روایات موافق و مخالف را استماع کرد. سفینه النجاه فی مناقب اهل البیت، العلویات، الرضویات،

۱۵. نسب معد و الیمن الکبیر، ج ۲، ص ۴۵۳؛ جمهرة انساب العرب، ص ۲۳۹.

۱۶. الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ج ۴، ص ۱۴۸۹؛ اسد الغابة فی معرفه الصحابة، ج ۴، ص ۵۲۳؛ قلادة النحر فی وفیات اعیان الدهر، ج ۱، ص ۸۱.

۱۷. اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۱۲۵.

۱۸. برخی، وفات احمد خزاعی را حدود ۴۶۵ق دانسته‌اند. (مرآة الکتب، ج ۱، ص ۲۴۲؛ موسوعة مؤلفی کتب الامامیة، ج ۲، ص ۲۸۶؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۵، ص ۱۸، مدخل ۱۷۰۱: احمد بن الحسین الخزاعی ... ذکر اسماعیل باشا فی هدیة العارفین وفاته فی حدود سنة ثمانین و اربعمائة. أقول: الاقرب أنه توفی قبل ذلك و لعله مات فی حدود سنة ۴۶۵ق) (پاکتچی، طبقه احمد خزاعی را در حدود ۴۳۵ - ۴۶۰ق تخمین زده است. ن. کد مکاتب فقه امامی، ص ۱۷۸)

۱۹. مکاتب فقه امامی، پاورقی ص ۱۷۸.

۲۰. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۱، ص ۳۳؛ شعب المقال فی درجات الرجال، ص ۴۶.

۲۱. الکنی و اللقب، ج ۱، ص ۱۳۶.

الامالی، عیون الاخبار، مختصرات فی المواعظ و الزواجر از جمله تألیفات وی است.^{۲۲}

شیخ ابوالفتوح رازی صاحب تفسیر روض الجنان، نوه ابوسعید است و آثار وی را از طریق پدر برای دیگران نقل نموده است.^{۲۳}

۲. جایگاه علمی مؤلف

مؤلف، زاده نیشابور است و به نظر می‌رسد ساکن ری و درس خوانده همان جا باشد. تصریحی بر محل اقامت وی یافت نشد؛ اما چون احتمال می‌رود پدرش نخستین فردی از خاندانش باشد که از نیشابور به ری آمده است،^{۲۴} وی نیز ساکن ری باید باشد.

ارتباط مؤلف با سایر حوزه‌های حدیثی، روشن نیست^{۲۵} اما بر اساس اسناد کتاب اربعین می‌توان گفت وی سفرهایی به قم، ساوه و همدان داشت.

بیشتر اساتید ابوسعید نیشابوری، شیعه هستند. نام برخی از محدثان اهل سنت نیز در میان مشایخ وی به چشم می‌خورد. از جمله شاگردان مؤلف می‌توان به فرزندش علی بن محمد، برادرش عبدالرحمن بن احمد و محمد بن عبدالوهاب بن عیسی سمان اشاره کرد.^{۲۶} داشتن شاگردانی به‌ویژه برادرش عبدالرحمن، بیانگر جایگاه والای علمی مؤلف است.

آثار مؤلف عبارتند از:

۱۰. الروضة الزهراء فی مناقب فاطمة الزهراء، با موضوع مناقب^{۲۷}

۲۲. الفهرست (رازی)، ص ۷۵. عبدالرحمن خزاعی از شهرت بالایی حتی در میان اهل سنت برخوردار بود. حافظان برجسته اهل سنت همچون ذهبی و به دنبال او ابن حجر عسقلانی نیز جایگاه حدیثی او را ستوده‌اند. (مفید نیشابوری، الشیخ الحافظ، <https://mtyazdi.kateban.com/post/۵۲۱۸>)

۲۳. جامع الرواة، ج ۲، ص ۵۹.

۲۴. مکاتب فقه امامی ایران، ص ۱۷۸.

۲۵. با توجه به این که نامی از اساتید بغدادی مؤلف، در شرح حال وی دیده نمی‌شود، احتمال این که مؤلف، در سفر پدر و برادرش به بغداد، از محضر اساتید آن دیار بهره گرفته باشد، پذیرفتنی نیست. (ن. کذ مکاتب فقه امامی ایران، ص ۱۸۱)

۲۶. طبقات اعلام الشیعة، ج ۲، ص ۱۴۹.

۲۷. روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۱۹؛ خاتمة المستدرک ج ۳، ص ۷۴؛ الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۱، ص ۲۹۴؛ معجم ما کتب عن الرسول و اهل البيت صلوات الله علیهم، ج ۵، ص ۴۷؛ مرآة الکتب، ج ۵، ص ۱۶۳. نام صحیح کتاب «الروضة الزهراء فی مناقب فاطمة الزهراء» و موضوع آن نیز بنا بر تصریح ابوالفتوح، مناقب است و احتمال افتادگی واژه «خطبه» و شرح خطبه فدکیه بودن وجهی ندارد. (ن. کذ مکاتب فقه امامی ایران، ص ۱۸۲)

۱۱. الفرق بین المقامین و تشبیه علی علیه السلام بذی القرنین، با موضوع مناقب و شرح -

الحديث^{۲۸}

۱۲. کتاب اربعین عن الاربعین فی فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، با موضوع مناقب

۱۳. کتاب منی الطالب فی ایمان ابی طالب، با موضوع کلام و دفاعیه

۱۴. کتاب المولی با موضوع شرح الحديث^{۲۹}

ابن شهر آشوب آثار دیگری نیز به وی نسبت داده است:^{۳۰}

۱۵. التفهیم فی بیان التقسیم^{۳۱}

۱۶. الرسالة الواضحة فی بطلان دعوی الناصبة^{۳۲}

۱۷. ما لا بدّ من معرفته^{۳۳}

همان گونه که پیداست، نگاشته‌های علمی ابوسعید نیشابوری رنگ و بوی کلامی دارد. هم‌سویی عنوان کتاب اربعین با تخصص و حیطه دانشی مؤلف به‌ویژه در مناقب‌نگاری، بر اعتبار کتاب می‌افزاید. همچنین با توجه به موضوع آثار مؤلف، می‌توان گفت وی در تألیف موضوعات کلامی به‌ویژه فضائل، اهتمام وافر داشت.

ب) ویژگی‌های کتاب

شناخت ویژگی‌های منبع حدیثی، می‌تواند در تعیین اعتبار آن مؤثر باشد. هویت کتاب، قدمت و شهرت کتاب، منابع کتاب، اهتمام مؤلف به کتاب، عبور کتاب از پلاینده‌های حدیثی و وضعیت نسخه‌های کتاب، محورهایی هستند که در این بخش بررسی می‌شوند.

۲۸. الفرق بین المقامین و تشبیه علی علیه السلام بذی القرنین، ظاهراً در بیان حدیث «أَبْكَ لِدُو قَرْنِيهَا» در فضائل امام علی علیه السلام (مکاتب فقه امامی ایران، ص ۱۸۲)

۲۹. الفهرست، ص ۱۰۲؛ مکاتب فقه امامی ایران، ص ۱۸۲ - ۱۸۳.

۳۰. معالم العلماء، ص ۱۱۶.

۳۱. عنوان، مبهم است و نمی‌توان موضوع و محتوای کتاب را شناسایی کرد (ن. ک: مکاتب فقه امامی ایران، ص ۱۸۲)

۳۲. در رد دعوی اهل سنت (مکاتب فقه امامی ایران، ص ۱۸۲). برخی، نام کتاب را چنین آورده‌اند: الرسالة الواضحة فی بطلان دعوی الناصبة فی الاصول (کشف الحجب و الاستار عن اسماء الکتب و الاسفار، ص ۲۲۷)

۳۳. در مساله کلامی مطرح در آن روزگار که گاهی با تعبیر «ما لا یَسَعُ جِهْلُهُ» نیز از آن یاد شده است. (مکاتب فقه امامی ایران، ص ۱۸۲)

۱. روشن بودن هویت کتاب

انتساب کتاب به مؤلف، به واسطه شیخ منتجب الدین و از مسیر نوه و فرزند وی صورت گرفته است.^{۳۴} مؤلف اربعین نیشابوری خزاعی در منابع فهرستی و تراجم، بدون هیچ گونه تردید، ابوسعید محمد بن احمد بن حسین نیشابوری خزاعی معرفی شده بود تا آن که محقق فقید، محمد باقر محمودی در تحقیق کتاب، اثر را تألیف برادر ابوسعید یعنی ابومحمد عبدالرحمن بن احمد بن حسین نیشابوری خزاعی دانست. هرچند محمد کاظم محمودی، فرزند محمد باقر محمودی رحمته الله در تحقیق و چاپ دیگر اربعین، مؤلف را همان ابوسعید نیشابوری خزاعی معرفی کرد و دلایل پدر را ناکافی دانست؛ اما در نگاشته‌های علمی و پایگاه‌های اطلاعاتی نام مؤلف اربعین نیشابوری خزاعی دچار دوگانگی شد.^{۳۵} به هر حال، انتساب کتاب به ابوسعید جای تردید ندارد و اگر این انتساب به برادرش عبدالرحمن نیز می‌بود، از اعتبار کتاب نمی‌کاست؛ بلکه باید گفت روایتگری عبدالرحمن از برادرش بر اعتبار کتاب می‌افزاید.

این کتاب، الگوی دیگر نویسندگان برای نگاشتن فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام قرار گرفت.^{۳۶} گفتنی است خود ابوسعید نیشابوری در آغاز و انجام، نام اثر را به صورت «کتاب الاربعین عن الاربعین فی فضائل علی امیر المؤمنین» آورده است.^{۳۷} شیخ منتجب الدین با عنوان «کتاب الاربعین عن الاربعین فی فضائل امیر المؤمنین علیه السلام» از اثر ابوسعید نیشابوری یاد کرده است.^{۳۸} عنوان اثر در چاپ‌های منتشر شده نیز یکسان نیست.^{۳۹}

۳۴. الفهرست، ص ۱۰۲.

۳۵. گفتنی است در فهرست‌های دنا و فنخا نیز مؤلف اربعین، عبدالرحمن بن احمد معرفی شده است. (فهرستگان نسخه‌های خطی ایران، ج ۲، ص ۹۵۴؛ فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران، ج ۱، ص ۶۳۳)

۳۶. چندین اربعین دیگر با نام مشابه وجود دارد. برای نمونه می‌توان به اربعین شیخ منتجب الدین رازی و اربعین یوسف بن حاتم شامی اشاره کرد.

۳۷. الاربعین عن الاربعین، ص ۲۴ و ۸۰؛ اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۳۱۶ و ج ۹، ص ۷۱. برخی، نام کتاب را الاربعون فی فضائل امیر المؤمنین ثبت کرده‌اند. (کشف الحجب و الاستار عن اسماء الکتب و الاسفار، ص ۳۳) برخی نیز عنوان کتاب را به صورت «کتاب الاربعین من الاربعین فی فضائل امیر المؤمنین» گزارش کرده‌اند. (ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، ج ۲، ص ۲۶۵)

۳۸. الفهرست، ص ۱۰۲.

۳۹. چاپ مؤسسه الامام المهدي علیه السلام و اشراف سید محمد باقر موحد ابطحی رحمته الله، الاربعون حدیثا عن الاربعین فی فضائل امیر المؤمنین علیه السلام؛ چاپ مؤسسه الطبع و النشر و تحقیق محمد باقر محمودی رحمته الله، کتاب الاربعین عن الاربعین فی فضائل علی امیر المؤمنین علیه السلام؛ چاپ مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة و تحقیق محمد کاظم محمودی، الاربعون عن الاربعین فی

۲. قدمت و شهرت کتاب

تاریخ ولادت و وفات مؤلف به طور دقیق، در دسترس نیست؛ اما با توجه به اینکه مؤلف، پدربزرگ شیخ ابوالفتوح رازی، در گذشته به سال ۵۵۶ ه‍.ق است، احتمالاً در قرن پنجم می‌زیست و نگارش کتاب نیز در همان بازه صورت گرفت.

شهرت کتاب به معنای متداول بودن آن در موضوع خود و اعتبار محتوای کتاب است. دسترسی نقیب قمیان، عزالدین یحیی بن ابوالفضل به کتاب نشان می‌دهد که کتاب در آن زمان مورد توجه بود. جایگاه خاندان مؤلف به‌ویژه شیخ ابوالفتوح رازی و همچنین سبک اثرگذار فضائل‌نگاری کتاب اربعین، در ماندگاری و روایتگری از کتاب نقش‌آفرین بوده است؛ چه اینکه از آثار پیشین این خاندان تنها نامی باقی مانده است. از این رو مؤلفان شیعی متأخر همانند صاحب «بشارة المصطفی» با واسطه از این کتاب، نقل بسیار می‌کند. همچنین کتاب جزو منابع بحار الانوار است.^{۴۰} استفاده از این کتاب به عنوان منبع، نشان می‌دهد افزون بر معتبر بودن کتاب، در دسترس و مورد مراجعه محدثان بعدی نیز بوده است. آقا بزرگ تهرانی، این اثر را در غایت اشتهار دانسته، نسخه‌های مختلفی از آن را در طول تاریخ که توسط علمای شیعه نقل شده و در اجازات نیز واقع شده، معرفی کرده است.^{۴۱}

۳. منابع کتاب

مؤلف، نامی از منابعش نبرده، اما احادیثش را مسند نقل نموده است. تدوین کتاب پس از تدوین کتب اربعه بوده است. تعدد احادیث و طرق، با موضوع کتاب تناسب دارد. بررسی اسانید وی نشان می‌دهد وی از مسند حسن بن سفیان، کتاب‌های حاکم نیشابوری، خصال، امالی مفید، مئة منقبة ابن شاذان و کتاب حسن بن رشیق بهره برده است.

۴. اهتمام مؤلف به کتاب

اهتمام مؤلف به کتاب در اعتبار آن موثر است. مطالعه مقدمه و خاتمه و نیز توجه به اسناد کتاب اربعین و جزییات شیوه سنددهی آن، همگی هدفمندی مؤلف در نگارش کتاب اربعین را نمایان می‌سازد. هدفمندی در تألیف، موجب شده تا مؤلف با دقت متون کتابش را گزینش نماید. او در انتخاب سبک اربعین‌نویسی و نیز نقل چهل روایت از چهل شیخ نیز هوشمندانه عمل کرده است.

فضائل علیّ امیر المؤمنین علیه السلام؛ چاپ العتبة الحسینیة المقدّسة، الاربعین عن الاربعین فی فضائل امیر المؤمنین علیّ بن ابی طالب علیه السلام؛ تحقیق و تعلیق حسن عبدالله علی، الاربعین فی فضائل امیر المؤمنین.

۴۰. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۴ و ج ۱۰۴، ص ۱۶۸.

۴۱. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱، ص ۴۳۲ - ۴۳۳.

۵. عبور کتاب از پالاینده‌های حدیث

مؤلف در مقدمه کتاب خود، درخواست هادی بن حسین علوی حسینی^{۴۲} از وی برای نگاشتن بخشی از فضائل امیرالمومنین علیه السلام را گزارش می‌کند. وی درخواست را اجابت کرده و تصمیم می‌گیرد چهل حدیث از چهل استاد خود را بنگارد. شیخ منتجب الدین رازی در مقدمه کتاب الفهرست، ماجرای ملاقات با عزالدین یحیی بن ابوالفضل را نقل می‌کند. نقیب قمیان این کتاب را به او نشان می‌دهد و از آن بسیار تعریف و تمجید می‌کند. شیخ همان‌جا با خود پیمان می‌بندد که در صورت توفیق و طول عمر، کتابی بر منهج این کتاب بنگارد.^{۴۳}

این نکته نشان می‌دهد که کتاب، مورد تأیید نقیب قمیان و الگوی تألیف برای شیخ منتجب الدین و محدثان دیگر قرار گرفته است. بنابراین می‌توان گفت دست کم در حوزه حدیثی قم، مقبولیت داشته است. این نکته با توجه به سخت‌گیری حوزه قم در ارزیابی و پذیرش احادیث و کتاب‌های حدیثی می‌تواند بر ارزش و اعتبار کتاب بیفزاید.

۶. وضعیت نسخه‌های کتاب

نسخه‌های این کتاب تقریباً نزدیک به زمان مؤلف است. کهن‌ترین نسخه به تاریخ ۵۳۴ هـ ق برمی‌گردد که شهید اول نسخه خود را به آن عرضه کرده است. پس از آن نسخه‌ای به تاریخ ۸۶۱ هـ ق وجود دارد که با خط شهید اول مقابله شده و به خط شمس الدین محمد بن علی بن الحسن الجبعا، جد شیخ بهایی است. نسخ فراوان دیگری نیز پس از شهید اول و از روی خط شهید نگاشته شده و در دسترس است که می‌تواند نشانه‌ای بر قوت و اعتماد بر این نسخه باشد. احادیث این نسخه همگی مسند هستند.^{۴۴}

ج) ویژگی‌های متن

استواری متن، از نشانه‌های صحت انتساب به معصوم است. در ادامه، متن کتاب بر اساس عوامل مؤثر در استواری و صحت متن سنجیده می‌شود.

۴۲. اطلاعاتی از هادی بن حسین در مصادر موجود در دسترس نیست.

۴۳. الفهرست (رازی)، ص ۳۷۴.

۴۴. نسخه‌های دیگر از این قرار است: یک نسخه کامل با احادیث مسند به سال ۹۷۴ هـ ق؛ یک نسخه بدون تاریخ و با احادیث مرسل؛ یک نسخه با احادیث مسند به سال ۱۱۱۰ هـ ق؛ یک نسخه به سال ۱۳۴۷ هـ ق؛ دو نسخه مربوط به قرن ۱۲؛ یک نسخه به سال ۱۲۸۴ هـ ق؛ یک نسخه به سال ۱۳۰۳ هـ ق؛ یک نسخه به سال ۱۳۰۳ هـ ق که از روی نسخه دیگری به تاریخ ۹۶۶ هـ ق نوشته شده؛ یک نسخه به سال ۱۳۰۴ هـ ق؛ یک نسخه به سال ۱۳۲۴ هـ ق؛ یک نسخه به سال ۱۳۴۷ هـ ق و سه نسخه دیگر بدون تاریخ. (الاربعین عن الاربعین، تحقیق محمد کاظم بهبودی، ص ۶-۷؛ فنخا، ج ۲، ص ۹۵۴-۹۵۵)

۱. موافقت با عقل

موافقت با عقل، از نشانه‌های صحت حدیث و انتساب آن به معصوم است. هر انسان عاقلی، چه رسد به معصوم، هیچ‌گاه مطلب مخالف با عقل نمی‌گوید. این نشانه در کتاب به وضوح قابل رؤیت است. در هیچ یک از احادیث این کتاب، مطلبی مخالف عقل یافت نشد. ممکن است عقل برخی از مطالب را نفهمد، اما دلیلی بر امتناع آن ندارد. حدیث پنجم این کتاب به ماجرای ردّ الشمس پرداخته است. اینکه خورشید از جای خود به عقب برگردد و سپس به جای خود بازگردد، ممکن است در چهارچوب‌های عقلی فهمیده نشود و یا از نظر علوم جدید، موجه نباشد، اما دلیلی بر ردّ عقلی چنین پدیده‌ای وجود ندارد. بنابراین اگر کتابی، از جهات دیگر، اعتبار یابد، این قبیل از مضامین آن نیز مورد پذیرش قرار می‌گیرند.

۲. هم‌خوانی با مسلمات مذهب

آموزه‌هایی در دین وجود دارند که قطعی و غیر اختلافی هستند و از آنها با عنوان «مسلمات مذهب» یاد می‌شود. هر متنی که همسو با این مسلمات باشد قوی و ارزشمند است و متن مخالف با آن، ضعیف تلقی می‌شود. این معیار در دو محور قرآن و سنت قابل بررسی است.

۱/۲. همراهی با قرآن

یکی از نشانه‌های صحت حدیث، عدم مخالفت با قرآن کریم است. در این کتاب، حدیثی مخالف با آیات قرآن یافت نشد. آری در حدیث اول، گزاره‌ای دالّ بر «عدم برپایی میزان برای همگان» وجود دارد. ممکن است این حدیث با ظاهر برخی آیات قرآن که بیانگر برپایی میزان برای همگان است مخالف قلمداد شود. اما با در نظر گرفتن همه آیات مربوط به میزان، روشن می‌شود که برخی گروه‌ها میزان ندارند. پس حدیث با آموزه‌های قرآنی مخالف نیست.

۲/۲. موافقت با نصوص روایی پذیرفته‌شده

از دیگر نشانه‌های صحت حدیث، موافقت با نصوص روایی قطعی و پذیرفته‌شده است. گزاره‌های این کتاب با نصوص روایی قطعی، همسو هستند. حدیث چهارم این کتاب، به ماجرای سدّ ابواب به جز درب منزل خانه حضرت زهرا علیها السلام پرداخته است. این مطلب از نظر تاریخی در فرهنگ شیعه پذیرفته شده است. حدیث هشتم، بیانگر جایگاه امیرالمومنین علیه السلام نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله است. این حدیث به عنوان حدیث منزلت، مشهور و مورد پذیرش دانشمندان شیعه است. حدیث یازدهم نیز به خبر دادن پیامبر صلی الله علیه و آله از جنگ امیرالمومنین علیه السلام بر سر تأویل قرآن اشاره دارد که در منابع دیگر بارها تکرار و پذیرفته شده است.

۳/۲. مؤیدات متنی از سایر منابع

میزان همسویی گزاره‌های حدیثی در یک کتاب با سایر منابع حدیثی، از نشانه‌های سلامت کتاب و صحت احادیث آن است. در مقابل، هرچه آموزه‌های کتاب حدیثی، شاذ و منفرد باشد، می‌تواند منجر به کاهش اعتبار آن شود. احادیث این کتاب، در سایر منابع حدیثی نیز یافت می‌شوند و با آنها همسو هستند. از میان چهل حدیث این کتاب ۲۹ حدیث در منابع متقدم یا نزدیک به عصر مؤلف یافت می‌شوند. تنها یازده حدیث هستند که در منابع متقدم بر این کتاب یافت نشدند. با توجه به اعتبار یافتن کتاب با استفاده از ادله و قرائن دیگر و همسویی محتوای این یازده حدیث با آموزه‌های دینی، در مجموع می‌توان گفت کتاب، همسو با آموزه‌های فرهنگ شیعه و دارای مؤیدات از سایر منابع شیعی است.^{۴۵}

۴/۲. کمی آسیب‌های متنی

متون حدیثی همانند هر متن دیگر، دست‌خوش حوادث و آسیب‌های مختلفی قرار گرفته‌اند. تقطیع نادرست، تصحیف، اضطراب و ... از آسیب‌های متن هستند. در این کتاب، آسیب متنی جدی یافت نشد. با این حال، موارد زیر قابل یادآوری است:

یکم. متن حدیث پنجم که درباره واقعه ردّ شمس به نقل از اسماء بنت عمیس است، دست‌خوش اشکالاتی شده است. مقایسه متن حدیث در چاپ‌های مختلف کتاب و نیز منابع دیگر، اختلافات متنی را نمایان می‌سازد:

قالت: كنت اخرز السماء، و أداوى الجرحى، و اكحل العين، و
انّ النّبى ﷺ صلى بنا العصر فانثنا علياً قبل ان يسلم، فاوحى
الله تعالى اليه، حاجز علياً ﷺ و قد كان دخل فى الصلاة، و لم

يكن ادرک اوّل وقتها.^{۴۶}

این متن در «رسائل فى حدیث ردّ الشمس» به صورت زیر آمده است:

۴۵. از مجموع چهل حدیث این کتاب، یک حدیث در فضائل الشیعة، دو حدیث در الارشاد، سه حدیث در امالی صدوق، پنج حدیث در خصال صدوق، سه حدیث در تفسیر قمی، دو حدیث در کتاب سلیم، یک حدیث در عیون اخبار الرضا ﷺ، سه حدیث در المسترشد، چهار حدیث در امالی طوسی، یک حدیث در تفسیر فرات کوفی، یک حدیث در الفصول المختارة، یک حدیث در امالی مفید، یک حدیث در شرح الاخبار، یک حدیث در کنز الفوائد، نه حدیث در بشارة المصطفى و دو حدیث در مناقب ابن شهر آشوب دیده می‌شود.

۴۶. الاربعین (العتبة الحسينية)، ص ۴۹.

قالت: كنت اخرز السقاء و اداوى الجرحى و احل العين؟ و ان النبى ﷺ صلى بنا العصر و قد كان قبل ان يصلى العصر ارسل عليا لتنفيذ امر فاثنتى على قبل ان يصلى العصر (ظ) فاوحى الله تعالى الى نبيه (ظ) فاخبروا علياً ﷺ بذلك و قد كاد (ان) يدخل فى الصلاة و لم يكن ادرك اول وقتها.^{٤٧}

همین بخش از حدیث در کتاب بشارة المصطفى به صورت زیر آمده است:

قالت كنت اخرز السقاء و اداوى الجرحى و احل العين و ان النبى ﷺ صلى بنا العصر و انتبا قبل ان سلم فاوحى الله اليه و اخبر علياً ﷺ و قد كان دخل و لم يكن ادرك اولها.^{٤٨}

چاپ دیگری از کتاب الاربعین، متن را به صورت زیر ثبت کرده است:

قالت: كنت احرز السقاء و اداوى الجرحى، و احل العين. و ان النبى ﷺ صلى بنا العصر، و بعد ان سلم اوحى الله تعالى اليه، فاخبر علياً و كان قد مضى الى الصلاة، و لم يكن ادرك اولها.^{٤٩}

دوم. سند حدیث ۳۸ مرسل و مشتمل بر عناوین مبهم است:

قال: حدثنا بعض اصحابنا، قال: حدثنا رجل من اهل مصر يقال له: طسم.

همچنین در سند آمده:

قال ابو حذيفة موسى بن مسعود عن ابيه عن سفیان الثورى.

حال آن که موسى بن مسعود راوی روایات تفسیری سفیان بدون واسطه است و در اسناد موجود واسطه «عن ابيه» دیده نمی شود.^{٥٠}

٤٧. رسائل فى حدیث رد الشمس، ص ٢٠٦.

٤٨. بشارة المصطفى لشعبة المرتضى، ص ٢٦٨.

٤٩. الاربعین (موسسة الامام المهدي)، ص ٩.

٥٠. برای نمونه ن. کد تفسیر الثورى، ص ٣٦.

سوم. در برخی احادیث، تقطیعی وجود دارد که مخلّب به حدیث نیست. برای مثال، حدیث دوم کتاب، به صورت ناقص تری نسبت به منابع دیگر مانند الارشاد نقل شده است. متن حدیث در الاربعین چنین است:

سمعت امیر المومنین عليه السلام في الرحبه و هو يقول: انشد الله رجلا سمع النبي صلى الله عليه وآله يوم غدیر خم يقول ما قال الا قام. فقام ثلاثة عشر رجلا فقالوا: انا سمعنا رسول الله صلى الله عليه وآله يوم غدیر خم يقول: من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه.^{۵۱}

این متن، فشرده و خلاصه متنی است که در الارشاد نقل شده است:

نَشَدَ عَلِيُّ النَّاسَ فِي الْمَسْجِدِ فَقَالَ: أُنشِدُ اللَّهَ رَجُلًا سَمِعَ النَّبِيَّ يَقُولُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ. فِقَامَ اثْنَا عَشَرَ بَدْرِيًّا سِتَّةً مِنَ الْجَانِبِ الْإِيْمَنِ وَ سِتَّةً مِنَ الْجَانِبِ الْإِيْسَرِ فَشَهِدُوا بِذَلِكَ. قَالَ زَيْدُ بْنُ أَرْقَمٍ وَ كُنْتُ أَنَا فِيمَنْ سَمِعَ ذَلِكَ فَكَتَمْتُهُ فَذَهَبَ اللَّهُ بِبَصْرِي وَ كَانَ يَتَنَدَّمُ عَلَيَّ مَا فَاتَهُ مِنَ الشَّهَادَةِ وَ يَسْتَغْفِرُ.^{۵۲}

از دیگر عوامل آسیب‌زا به متن، آسیب‌های مربوط به نسخه است. در مجموع، نسخه‌های این کتاب، آسیب‌های جدی ندارند. البته یکی از نسخه‌های کتاب، اسانید را حذف نموده، اما سایر نسخه‌ها احادیث را مسند نقل کرده‌اند.

۵/۲. نوع نگارش متن

این کتاب سبک نوینی در نگاشته‌های حدیثی شیعه محسوب می‌شود و مؤلف را باید پایه‌گذار و یا جزو نخستین بهره‌گیران از این روش دانست. هرچند این سبک در زمان خود و در میان شیعه، جدید بود، ولی دانشمندان شیعی آن را پذیرفتند. از این رو روش کتاب را نمی‌توان مخالف با سبک نگارش کتب شیعی دانست، به‌ویژه آن که محتوای آن نیز کاملا شیعی است.

۵۱. الاربعین عن الاربعین، ص ۲۷.

۵۲. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۳۵۲

نتیجه

یکی از مباحث مهم در تعامل با منابع حدیثی، اعتبارسنجی منابع است. برای سنجش اعتبار منابع، شاخصه‌های گوناگونی مانند هویت و شخصیت مؤلف، هویت و شهرت کتاب، ویژگی نسخه‌های کتاب، استواری متن و هماهنگی آن با آموزه‌های دینی و ... وجود دارد. در این پژوهش به سنجش اعتبار کتاب اربعین نوشته ابوسعید محمد بن احمد خزاعی نیشابوری پرداخته شد. هویت و شهرت مؤلف در میان محدثان امری تردیدناپذیر است، هرچند برخی از معاصران، کتاب را به برادر وی یعنی عبدالرحمن بن احمد خزاعی نسبت داده‌اند، اما این انتساب ناصحیح است. بررسی شهرت و قدمت کتاب، ویژگی نسخه‌های آن و عبور از پالاینده‌های حدیثی نشان می‌دهد که کتاب، مورد توجه محدثان قرار گرفته است. همچنین استواری متن، همخوانی آموزه‌های کتاب با دیگر آموزه‌های تشیع و کمی آسیب‌های متنی، بیانگر اعتبار بالایی کتاب و قوت آن است.

کتاب‌نامه

۱. الاربعون حدیثا عن اربعین فی فضائل امیر المومنین علیه السلام، ابوسعید محمد بن احمد بن حسین خزاعی نیشابوری، تحقیق سید محمد باقر موحد ابطحی، مؤسسه الامام المهدي علیه السلام، قم، ۱۴۱۱ق.
۲. الاربعون عن اربعین فی فضائل علی امیر المومنین علیه السلام، ابوسعید محمد بن احمد بن حسین خزاعی نیشابوری رازی، تحقیق محمد کاظم محمودی، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، قم.
۳. الاربعین عن اربعین فی فضائل امیر المؤمنین علیه السلام، ابوسعید محمد بن احمد بن حسین خزاعی نیشابوری، العتبة الحسينية المقدسة، کربلا، اول، ۱۴۳۷ق.
۴. الاربعین فی فضائل امیر المؤمنین، محمد بن احمد بن حسین خزاعی خراسانی، تحقیق حسن عبد الله علی.
۵. الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ابن عبد البر یوسف بن عبد الله، دار الجیل، بیروت، اول، ۱۴۱۲ق.
۶. اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ابن اثیر علی بن محمد، دار الفکر، بیروت، اول، ۱۴۰۹ق.
۷. الاصابة فی تمییز الصحابة، ابن حجر عسقلانی احمد بن علی، دار الکتب العلمیة و منشورات محمد علی بیضون، بیروت، اول، ۱۴۱۵ق.
۸. اعیان الشیعة، سید محسن امین، دار التعارف، بیروت، اول، ۱۴۰۳ق.
۹. ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، اسماعیل بغدادی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، اول.

۱۰. بشارة المصطفی لشعبة المرتضى، عماد الدين ابى جعفر محمد بن ابى القاسم طبرى أملی، نجف، دوم، ۱۳۸۳ق.
۱۱. بعض مثالب النواصب فى نقض بعض فضايح الروافض (كتاب النقض)، عبدالجليل عبد الجليل بن ابوالحسين قزوینی، قم، ۱۳۹۱ش.
۱۲. تفسير الثورى، ابو عبد الله سفيان بن سعيد بن مسروق الثورى الكوفى، دار الكتب العلمية، بيروت، اول، ۱۴۰۳ق.
۱۳. الذريعة الى تصانيف الشيعة، آقا بزرگ تهرانى محمد محسن، دار الاضواء، بيروت، سوم، ۱۴۰۳ق.
۱۴. روض الجنان و روح الجنان فى تفسير القرآن، ابوالفتوح رازى حسين بن على، بنياد پژوهش‌هاى اسلامى، مشهد، اول، ۱۴۰۸ق.
۱۵. رياض العلماء و حياض الفضلاء، عبد الله بن عيسى بيگ افندى، مؤسسه التاريخ العربى، بيروت، اول، ۱۴۳۱ق.
۱۶. شعب المقال فى درجات الرجال، ابوالقاسم بن محمد نراقى، كنگره بزرگداشت فاضلين نراقى، قم، دوم، ۱۴۲۲ق.
۱۷. طبقات اعلام الشيعة، آقا بزرگ تهرانى محمد محسن، دار احياء التراث العربى، بيروت، اول، ۱۴۳۰ق.
۱۸. الفهرست (رازى)، منتجب الدين، على بن عبيد الله رازى، كتابخانه آيت الله مرعشى، قم، اول، ۱۳۶۶ش.
۱۹. فهرستگان نسخه‌هاى خطى ايران (فنخا)، مصطفى درايى، سازمان اسناد و كتابخانه ملي ايران، تهران، اول، ۱۳۹۰ش.
۲۰. فهرستواره دست‌نوشته‌هاى ايران (دنا)، مصطفى درايى، كتابخانه موزه و مركز اسناد مجلس شوراي اسلامى، تهران، اول، ۱۳۸۹ش.
۲۱. قلادة البحر فى وفيات اعيان الدهر، ابو مخرمة عبد الله طيب بن عبد الله، دار المنهاج، بيروت، اول، ۱۴۲۸ق.
۲۲. كتاب الاربعين عن الاربعين فى فضائل على امير المؤمنين عليه السلام، عبدالرحمن بن احمد بن الحسين خزاعى نيشابورى، تحقيق محمد باقر محمودى، وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامى، تهران، اول، ۱۴۱۴ق.
۲۳. كشف الحجب و الاستار عن اسماء الكتب و الاسفار، اعجاز حسين بن محمد قلى كنتورى، كتابخانه آيت الله مرعشى، قم، دوم، ۱۴۰۹ق.
۲۴. مرآة الكتب، على بن موسى تبريزى، كتابخانه آيت الله مرعشى، قم، اول، ۱۴۱۴ق.
۲۵. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسين بن محمد تقى نورى، قم، اول، ۱۴۰۸ق.
۲۶. معالم العلماء فى فهرست كتب الشيعة و اسماء المصنّفين منهم، ابن شهر آشوب محمد بن على، المطبعة الحيدرية، نجف، اول، ۱۳۸۰ق.

۲۷. معجم طبقات المتکلمین، لجنة العلمية فی مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، قم، اول، ۱۴۲۴ق.
۲۸. معجم ما کتب عن الرسول و اهل البيت صلوات الله عليهم، عبد الجبار رفاعي، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، تهران، اول، ۱۳۷۱ش.
۲۹. مکاتب فقه امامی ایران پس از شیخ طوسی تا پایگیری مکتب حلّه، احمد پاکتچی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، اول، ۱۳۸۵ش.
۳۰. موسوعة طبقات الفقهاء، گروه علمی مؤسسه امام صادق علیه السلام، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، قم، اول، ۱۴۱۸ق.
۳۱. نسب معد و الیمن الكبير، ابن کلبی هشام بن محمد، عالم الکتب، بیروت، اول، ۱۴۲۵ق.
۳۲. هدية العارفين (اسماء المؤلفين و آثار المصنفين)، اسماعیل بغدادی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۵۱م.
۳۳. پایان نامه ملاکهای اعتبارسنجی منابع حدیث شیعه، محمد مهدی احسانی فر، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ۱۳۸۹ش.
۳۴. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل ابوالفتوح رازی، <https://www.cgie.org.ir/fa/article/۲۴۰۲۴۸/>
۳۵. یادداشت سندی از جامعه علمی ری در سده پنجم قمری، حسن انصاری، سایت کاتبان، ۲۹ بهمن ۱۳۸۶، <https://ansari.kateban.com/post/۱۲۹۹>
۳۶. یادداشت مفید نیشابوری الشیخ الحافظ، سید محمد طباطبایی یزدی، سایت کاتبان، ۲۶ شهریور ۱۴۰۱، <https://mtyazdi.kateban.com/post/۵۲۱۸>
۳۷. یادداشت ناگفته‌هایی از جامعه ری در سده‌های پنجم و ششم قمری، حسن انصاری، سایت کاتبان، ۹ مهر ۱۳۸۸، <https://ansari.kateban.com/post/۱۵۶۷>
۳۸. یادداشت همگام با اخوان الصفاي اسماعیلی از امامیه تا زیدیه، حسن انصاری، سایت کاتبان، ۸ شهریور ۱۳۸۶، <https://ansari.kateban.com/post/۱۱۵۳>